

-آذربایجان، ارمنستان و رؤیای راهرو زنگزور-

میان آنکارا، مسکو و تهران: رقابت خاموش برای قلب قفقاز
Majid Roshanzadehs



دور از هیاهوی رسانه‌های بین‌المللی، در ۲۰ ژوئن رویدادی رخ داد که بسیار فراتر از یک دیدار تشریفاتی بود: رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، نخست‌وزیر ارمنستان، نیکول پاشینیان را در کاخ تاریخی دولماباغچه در استانبول به حضور پذیرفت. در ظاهر، موضوع گفتگو روابط دوجانبه میان آنکارا و ایروان بود؛ اما در باطن، این دیدار بازتابی از بافت پیچیده و شکننده منافع ژئوپلیتیکی بود که قفقاز جنوبی و پیرامونش را در بر گرفته است. زمان‌بندی این دیدار قابل تأمل بود: در شرایطی که مسکو در تلاش برای حفظ تعادل میان باکو و ایروان است، تنش‌هایی تازه در منطقه شعله‌ور شده است؛ تنش‌هایی که بخشی از آن با دخالت‌های غرب و اسرائیل تشدید شده است. رسانه‌های ارمنستان حتی روسیه را متهم می‌کنند که از طریق کلیسای متحد با مسکو، در داخل ارمنستان بحران‌سازی می‌کند. دولت ارمنستان نیز واکنشی کم‌سابقه نشان داد و چند روحانی بلندپایه را به اتهام توطئه بازداشت کرد؛ اقدامی که پیامی آشکار از فاصله‌گیری ایروان از حامی پیشین خود، یعنی روسیه بود.

در همین حال، روابط مسکو و آذربایجان نیز دچار تنش شده است. در میان خط‌کشی‌های تاریخی بی‌اعتمادی و تحریک‌های بیرونی، ائتلاف‌های قدیمی رنگ باخته و تردیدها عمیق‌تر شده‌اند. روابط نزدیک آذربایجان با اسرائیل – چه در عرصه سیاسی و چه اطلاعاتی و انرژی – به همان اندازه مهم است که اتحاد استراتژیک با آنکارا. زیرا برای ترکیه، آذربایجان تنها یک همسایه نیست؛ بلکه کشوری «برادر» است که با زبان و فرهنگ مشترک پیوند خورده است. همکاری میان دو کشور در پروژه‌های انرژی مانند خط لوله باکو-تفلیس-جیهان نمود آشکاری دارد؛ خط لوله‌ای که نفت آذربایجان را به بندر مدیترانه‌ای ترکیه می‌رساند و بخشی از آن نیز به اسرائیل صادر می‌شود. همین خط لوله بیش از نیمی از نیاز نفتی اسرائیل را تأمین می‌کند؛ نکته‌ای کمتر شناخته‌شده اما بسیار تعیین‌کننده. با این حال، ترکیه به همین میزان بسنده نکرده و به دنبال راه‌اندازی خطوط لوله‌ای جدیدی است تا نفت و گاز ترکمنستان و قزاقستان را بدون عبور از خاک روسیه به اروپا برساند. مسکو این پروژه‌ها را تهدیدی برای نقش سنتی خود به عنوان تأمین‌کننده انرژی اروپا می‌داند؛ نقشی که همچنان با دو خط لوله‌ای گاز روسی به ترکیه و یک خط دیگر به اروپا حفظ شده است.

در این میان، مناقشات تاریخی مانند قره‌باغ کوهستانی نیز صرفاً حاشیه نیستند؛ بلکه بخشی از بازی بزرگ‌تر قدرت در منطقه هستند. آذربایجان در سال ۲۰۲۲ با حمایت ترکیه و اسرائیل کنترل قره‌باغ را پس گرفت. ایران که در این جنگ حامی ارمنستان بود، با نگرانی به طرح راهروی زنگزور نگاه می‌کند؛ راهرویی به طول حدود ۱۳۰ کیلومتر که ارمنستان را قطع می‌کند و آذربایجان را به منطقه‌ی خودمختار نخجوان متصل می‌سازد؛ مسیری که بسیار به مرز ایران نزدیک است و می‌تواند نفوذ تهران را در منطقه کاهش دهد.

قفقاز جنوبی به این ترتیب، تنها صحنه‌ی رقابت میان آنکارا، مسکو و تهران نیست؛ بلکه به نقطه‌ای کلیدی در طرح‌های گسترده‌تر غرب و اسرائیل بدل شده است؛ طرح‌هایی که هدفشان محاصره‌ی ایران از شمال و محدودسازی دسترسی روسیه به خلیج فارس است. این تحولات در حالی رخ می‌دهد که روسیه همچنان حضوری نظامی دارد؛ حضوری که به دنبال توافقات تازه میان دمشق، آنکارا، واشنگتن و تل‌آویو ممکن است اهمیت پیشین خود را از دست بدهد. اما بازگردیم به اردوغان: نگاه او بسیار فراتر از ارمنستان است. ترکیه در پی ساختن شبکه‌ای استراتژیک با جمهوری‌های ترک‌زبان آسیای میانه؛ کشورهایی که روزگاری بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بودند. آنکارا می‌خواهد آنان را در یک نظم جدید به رهبری ترکیه گرد آورد. در این مسیر، ایالات متحده همزمان هم شریک و هم رقیب آنکارا است؛ شریکی که در بازی مهار روسیه و ایران، اهداف خاص خود را دنبال می‌کند.